

وقف در سیره پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع)

محمدعلی جنازائی

بیشگفتار

اسلام به گونه‌ای اساسی و ریشه‌ای تمام نیازهای جامعه و پیروان خود را بررسی کرده و راه‌حلهایی را ارائه داده که ضامن و در بردارنده گسترش عدالت و مساوات است.

بعضی از این قوانین عبارتند از: زکات، خمس، صدقه و وقف که به مدد آنها مشکلات اقتصادی جامعه برطرف می‌شود و طبقه سرمایه‌دار هم‌ردیف گروه محروم و مستضعف می‌شود. ولی با گسترش جامعه اسلام از نظر جمعیت و محدوده جغرافیایی نیازهای بشر نسبت به گذشته تفاوت بسیاری یافت. بدین جهت نیاز به منابع اقتصادی ضرورت بیشتری یافت.

از این رو وقف در میان مسلمانان دارای ارزش والایی است. چرا که در پیشبرد شئون زندگی و استحکام پایه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و بهداشتی جامعه اسلامی نقش موثر و به سزایی داشته است. اسلام به پیروان خود دستور داده تا با اجرای دستورات قرآن و شارع مقدس برای محرومیت زدایی از جامعه اسلامی اقدام کنند.

یکی از روشهای نیکو و ستهای حسنه «وقف» است. وقف از دیرباز به شکل‌های گوناگونی در تاریخ بشر وجود داشته است و اسلام آن را در مسیری روشن، منطقی، هدفدار، مترقی و دقیق نهاده است. گرچه متأسفانه درباره آثار معنوی، اقتصادی و اجتماعی وقف کمتر تحقیق شده، از سوی دیگر نگارنده خود را در مقامی نمی‌بیند که در تمام این ابعاد مطالبی بنگارد؛ بنابراین و به

مصدق آیه «لا یكلف الله نفساً الا وسعها» و با استمداد از درگاه خداوند به اندازه توانایی خویش فقط درباره «وقف در سیره پیامبر (ص) و امامان شیعه» می‌پردازیم. به امید این که در آغاز باعث دلگرمی و نمونه‌ای برای راهبردهای علمی در جامعه اسلامی و مسلمانان باشد و مردم نیز درباره وقف همان شیوه‌ای را در پیش گیرند که راهبران راستین آنان پیموده‌اند.



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درباره وقف و ارزش و ویژگی های آن روایات متعددی نقل شده که چند نمونه را بیان می کنیم. در حدیث مشهوری از رسول خدا (ص) نقل شده که فرموده اند:

«اذا مات ابن آدم انقطع عمله، الا فی ثلاث، صدقة جاریه، او علم ینتفع به، او ولد صالح یدعوله»^۱ یعنی: هرگاه فرزند آدم بمیرد عمل او قطع می شود مگر از سه چیز: صدقه جاریه (وقف به عنوان نمونه ای از صدقه جاریه) علمی که از آن سود برده شود. یا فرزند صالحی که برای او دعا کند.

رسول گرامی اسلام در حدیث دیگری می فرماید:

«ان مما یلحق المؤمن من عمله و حسناته بعد موته علماً نشره و ولداً صالحاً ترکه، و مصحفاً ورثه او مسجداً بناه، او بیتاً لابن السبیل بناه او نهراً اجراه، او صدقة اخرجها من ماله فی صحته و حیاته و تلحقه من بعد موته»^۲ یعنی: چند چیز است که بعد از مرگ مومن پاداش آنها به او می رسد، علمی که از خود به یادگار گذاشته باشد، فرزند صالحی که جانشین خوبی برای او باشد، قرآنی که به ارث گذاشته باشد، مسجدی که ساخته شود، برای مسافران در راه مانده بنا کرده، نهری که آن را جاری ساخته است و صدقه ای که در حال حیات و زندگی خود انجام داده باشد.

و در روایت دیگری چنین می فرماید:

کسی که در کنار جاده ای برای عابران منزلی بسازد، خداوند در روز قیامت او را بر مرکبی که از گوهر ترین شده سوار می کند و نور صورت او بر تمام نورها برتری می یابد تا آنجا که برابر نور حضرت ابراهیم قرار می گیرد و مردم می پرسند، آیا این فرشته ای از فرشتگان است. هرگز مانند او را ندیده ایم و با شفاعت وی هزار هزار انسان به بهشت می روند.^۳

امام صادق (ع) در روایتی می فرماید:

هیچ پاداشی انسان را پس از مرگ تعقیب نمی کند مگر در سه خصلت: صدقه ای که در زمان حیات بدهد که این صدقه پس از مرگش تا روز قیامت به عنوان صدقه موقوفه غیر قابل ارث جریان خواهد داشت. یا سنتی نیکو که آن را بنیان نهد که خود بدان عمل کرده و دیگران نیز پس از او بدان عمل کنند یا فرزندی که برای او طلب مغفرت کند.^۴

و بدین مضمون از امام صادق (ع) روایات متعددی نقل شده که نقل همه آنها باعث طولانی شدن بحث می شود، بدین جهت شما را به مصادر آن ارجاع می دهیم.^۵

وقف در قرآن

در قرآن آیه ای که بر وقف و احکام آن صراحت داشته باشد، وجود ندارد. ولی دانشمندان اسلامی از کلیت برخی مفاهیم اخلاقی که در قرآن ذکر شده است، چنین دریافته اند که وقف مورد تأیید قرآن کریم است. چرا که اعمال خیر و صالح همواره در آیات این کتاب شریف و مقدس ستوده شده و به طور عموم هر آنچه که بر انجام کارهای نیکو و تشویق بدان دلالت داشته باشد، بر وقف نیز دلالت می کند. به تعبیر دیگر می توان گفت که روح وقف مورد تأیید قرآن کریم قرار گرفته است. به عنوان تبرک چند آیه را نقل می کنیم.

۱- «والباقیات الصّالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر اَمْلاً»^۶

یعنی کارهای شایسته ماندنی نزد پروردگارت از نظر پاداش، بهتر و امید آن بیشتر است.

۲- «لن تنالوا البرَّ حتّٰی تنفقوا مما تحبّون»^۷

یعنی؛ هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید در راه خدا انفاق کنید

۳- «و ما تقدموا من خیر تجدوه عند الله هو خیراً و اعظم اجراً»^۸

یعنی؛ هر عمل نیک برای آخرت خود پیش فرستید پاداش آن را نزد خداوند بیابید و آن اجر و ثواب آخرت (بهشت ابدی) بسی بهتر و بزرگتر و بیشتر است.

۴- «والباقیات الصّالحات خیر عند ربک ثواباً و خیر مرداً»^۹

یعنی؛ و کارهای صالحی که اجرش نعمت ابدی است، نزد پروردگارتو (از مال و جاه فانی دنیا) هم از جهت ثواب الهی و هم از جهت حسن عاقبت اخروی بهتر است.

۵- «لیس البرّ ان تولّوا و جوهکم قبل المشرق و المغرب و لكن البرّ من آمن بالله و الیوم الاخر و الملائكة

۱- انسان العرب، ۳۵۹/۹، لغت نامه دهخدا، ماهی

وقف.

۲- صحاح اللغة، ۱۲۲/۳، تاج العروس، ۲۲۸/۶

القی، فراهیدی، ۲۳۳/۵، المفردات زاغب

اصطفاهی، ۵۳۰، المستدرک، ۵۱۷/۲، الفقه علی

المذاهب الخمسة، ص ۵۸۵

۳- جواهر الکلام، ۲/۲۱۸، الشرایع، ۳۴۳/۲

المبسوط، ۲۸۶/۳، النهایة، ص ۵۹۶، السرائر، ص

۳۷۷، فقه القرآن، ۲۹۲/۲، احکام وقف در شریعت

اسلام، ۷۰/۱، الخلاف شیخ طوسی، ص ۳۲۹

۴- وسائل الشیعة، ۲۹۲/۱۳، عوالی اللئالی، ۲۸۳/۳

ج ۱۷، مستند ابن حنبل، ۳۷۷/۲، ش ۸۶۲۷

بحار الانوار، ۲۲/۲، سنن ترمذی، ۱۳۷۶

۵- نهج الفصاحة، ص ۱۸۳ ح ۹۰۶

۶- وسائل، ۵۶۲/۱۱ ح ۱

۷- خصال، ۹۹/۱

۸- امالی شیخ مفید، ص ۱۰۲، امالی شیخ طوسی،

۲۴۲/۱، خصال، ۳۲۹/۱، الاحتجاج، ۲۹۹/۲، به نقل

از بحار الانوار، ۱۸۷/۱۰۳، وسائل الشیعة، ۲۹۲/۱۳

فروع کافی، ۲۵۰/۲، من لا یحضره الفقیه، ۵۹/۱ و

۲۹۲/۲

۹- سوره کهف، آیه ۴۶

۱۰- سوره آل عمران، آیه ۹۲

۱۱- سوره مزمل، آیه ۲۰

۱۲- سوره مریم، آیه ۷۶

والکتاب والنبيين و اتى المال على حبه ذوى القربى واليتامى والمساکين و ابن السبيل و السائلين و فى الرقاب»^{۱۷} یعنی، نیکوکاری بدان نیست که روی به جانب مشرق و مغرب کنيد چرا که این بی اثر است (در جواب يهود و نصارا) لکن نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد و اموال خود را در راه دوستی خدا بر خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و مستمندان بدهد و در آزاد ساختن بندگان صرف کند...

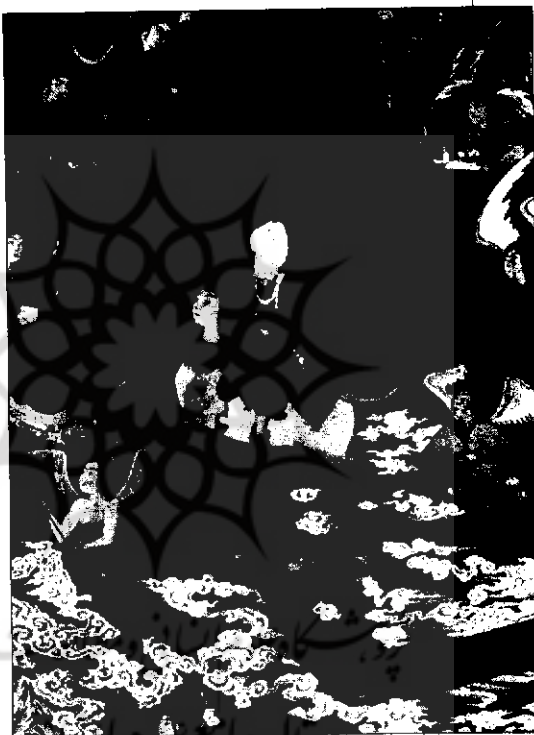
وقف در سیره پیامبر (ص)

شیوة رفتار رسول خدا (ص) یکی از منابع مهم در احکام دینی و معارف اسلامی به شمار می رود که از آن به «سنت» تعبیر می شود. سنت به قول، فعل و تقریر (سکوت مقتضی) گفته می شود که از رسول گرامی اسلام یا امامان شیعه صادر شده باشد. اما اهل سنت کارهایی را که صحابه انجام داده اند نیز سنت می شمارند.^{۱۸}

همان گونه که در سخنان رسول خدا (ص) درباره تشویق به وقف روایات متعددی نقل شده، از آنجا که از نظر عملی نیز پیامبر (ص) در این کار نیکو، معلم بشریت بوده اند خود نیز بدین کار نیکو دست زده اند که چند نمونه آن را یادآور می شویم.

مردی از یهودیان به نام مخیریق که در جنگ احد مسلمان شده بود، همراه سپاه اسلام در جنگ با مشرکان شرکت داشت. هنگامی که به سوی احد حرکت کرد، گفت: اگر من کشته شدم، هفت قطعه از باغهای من از آن رسول خدا (ص) باشد. آن باغها عبارت بودند از: عواف، دلال، برقه، مبيت، حسنی، صافیه و حائظ ام ابراهیم. مخیریق در این جنگ کشته شد و آن باغها از همان تاریخ، یعنی سال سوم هجری به ملک پیامبر (ص) درآمد و آن حضرت تصرف نمود.

تا سال هفتم هجری کارگران رسول خدا (ص) آن باغها را اداره می کردند تا این که در همان سال آن باغها را وقف کردند اما این وقف خاص بود، یعنی، بر اولاد و بر بنی هاشم وقف شد. پس از رحلت پیامبر (ص) خلیفه اول این باغها را گرفت ولی خلیفه



علی (ع) چشمه هایی را در ینع، سویقه و مدینه ایجاد کرد و زمینهای موات فراوانی را احیا کرد سپس آنها را از ملک خود خارج ساخته و صدقه برای مسلمانان قرار داد

در «قبا» نخلستانی بوده به نام «بویره» که از زمینهای یهودیان بنی النضیر محسوب می شده است، این نخلستان از صدقات پیامبر است که وقف بر فقیران و یتیمیان بوده است

دوم آن را به علی (ع) بازگردانید که در تاریخ مفصلاً نقل شده است.^{۱۹} در مدارک و مصادر تاریخی زمینهای دیگری به نام صدقات رسول خدا (ص) ذکر شده است، از آن جمله: رسول خدا (ص) زمینی را وقف کرد و آن را برای ابن السبیل صدقه قرار داد.^{۲۰} و دیگر اینکه یاقوت حموی می نویسد:

در «قبا» نخلستانی بوده به نام «بویره» که از زمینهای یهودیان بنی النضیر محسوب می شده است، این نخلستان از صدقات پیامبر است که وقف بر فقیران و یتیمیان بوده است.^{۲۱} هم چنین نقل شده که پیامبر (ص) در خیبر موقوفه هایی داشته است که از عوائد و منافع آنها به مهمانان خود انفاق می کرده است.^{۲۲}

بخاری صاحب یکی از صحاح سته گوید: نوشته یا نوشته هایی در دست علی (ع) بوده که وقفهای پیامبر (ص) در آن نوشته شده بود، یا آن نوشته ها و قفنامه یا موقوفه های رسول خدا (ص) بوده است.^{۲۳} گرچه وی توضیح نداده است که موقوفه های نوشته شده همان هفت باغ مذکور مخیریق بوده یا موقوفه های دیگری بوده است، لیکن دلالت بر این امر دارد که رسول خدا (ص) دارای موقوفات فراوانی بوده است. موقوفات دیگری نیز برای رسول خدا (ص) نام برده اند که «مهزور» از آن جمله است (که نام محلی در بازار

مدینه بوده) آنجا وقف مسلمانان بوده و سهم رسول خدا (ص) از اموالی بوده است که پس از فتح مکه منی النبی صلی الله علیه و آله به دست آن حضرت رسیده است.^{۲۱}
 اینها نمونه‌هایی از موقوفاتی بود که رسول خدا (ص) در زمان زندگانی خویش وقف کرده است که بیان تمامی این موارد از توان این نوشتار خارج است.

وقف در سیره امام علی (ع)

امامان شیعه که پس از رسول گرامی اسلام (ص) پرچم‌دار این شیوه حسنه‌اند در این عرصه برخی درخشیده‌اند که در پیشاپیش آن علی (ع) قرار دارد. پس از جستارمان در این باره بدین واقعیت دست یافتیم که علی (ع) بیشترین موقوفات را داشته است که برخی را یادآور می‌شویم.
 علی (ع) در یکی از وقفنامه‌هایش انگیزه خود را چنین بیان می‌کند:
 «ابتغاء وجه الله لیولجنی الله به الجنة و بصرفنی عن النار و بصرف النار عن وجهی یوم تبيض وجوه و تسود وجوه»^{۲۲}

یعنی؛ برای رضایت خداوند [وقف کردم] تا به سبب آن مرا داخل بهشت برین فرماید و از آتش دورم دارد و آتش را از صورتم دور فرماید، در روزی که صورتهایی سفید و صورتهایی سیاه‌اند.
 درباره صدقات و موقوفات علی (ع) تاریخ نگاران مطالب زیادی را یادآور شده‌اند که انسان را به شگفتی وامی‌دارد از آن جمله این که:

علی (ع) فرمود: اگر صدقه (موقوفات) من امروز میان بنی هاشم تقسیم شود همگی را کفایت می‌کند.
 این مطلب در حالی است که خود آن حضرت فرمود: خود را با پیامبر (ص) دیدم که از گرسنگی سنگ بر شکم خویش می‌بستم در حالی که اکنون صدقات مال من سالیانه به چهل هزار دینار می‌رسد. یا در عبارت دیگر فرمود: صدقه من امروز به چهل هزار می‌رسد یا فرمود: صدقات اموال من سالیانه برای فقیران بنی هاشم کفایت می‌کند.^{۲۳}

این اثر گوید: مراد از صدقه در اینجا زکات نیست بلکه مراد موقوفه‌هایی است که آن حضرت وقف کرده و صدقه جاریه قرار داده که حاصل درآمد آنها این مقدار (چهل هزار) می‌شده است.

علی (ع) چشمه‌هایی را در ینیع، سویقه و مدینه ایجاد کرد و زمینهای موات فراوانی را احیا کرد سپس آنها را از ملک خود خارج ساخته و صدقه برای مسلمانان قرار داد؛ به گونه‌ای که هنگام مرگ چیزی برای خویش باقی نگذاشته بود.^{۲۴}

علی (ع) در محلی به نام «ینیع» صد چشمه حفر کرد که وقف بر حاجیان خانه خدا کرد. همچنین در راه مکه و کوفه جاههایی حفر کرد و مسجد فتح را در مدینه و مسجدی در برابر قبر حمزه و در میقات و بصره و کوفه آبادانیهای بسیاری به وجود آورد.^{۲۵}

سهمودی می‌نویسد: پیامبر در «ذوالعشیره» از زمینهای ینیع قطعه‌ای به علی (ع) داد. و عمر در زمان خلافت خود قطعه‌ای بر آن افزود. و افزون بر آن علی (ع) نیز قطعه‌ای را خرید و بر آن افزود. از این رو در اموال علی (ع) در آنجا چشمه‌های فراوانی بود. از آنجا که این زمینها موات بود، آن حضرت شخصا چاه حفر کرده و آن سرزمین را آباد کرد.^{۲۶}

در برخی روایات آمده است که علی (ع) در ینیع بغیغه‌ها را درست کرد و چشمه‌هایی به نام خیف اراک، خیف لیلی، و خیف بسطاس در آن قرار داشت. در جایی دیگر نقل می‌شود که: علی (ع) قطعه زمینی را از عبدالرحمن بن سعد انصاری به ۳۰۰,۰۰۰ درهم خرید و نخستین مزرعه‌ای که در آن درست کرد، بغیغه بود و سپس آن را وقف بر ساکنان و ابن السبیل و نیازمندان کرد.

واقفی گوید: میوه‌های بغیغه در زمان علی (ع) به ۱۰۰۰ وسق رسید که هر وسق پیمانی معادل شصت من است.^{۲۷}

از جمله موقوفات علی (ع) می‌توان به سویقه (محلی که آل علی ساکن بودند و نزدیک مدینه بوده) و اموال خبیر و وادی القری اشاره کرد. همچنین اموال ابی نیزر، بغیغه، ارینه، رعد، رزین، قصبیه، ترعه، حره‌الرجلی، که احمر نامیده می‌شود از جمله موقوفات آن حضرت به شمار می‌رود.

هم چنین علی (ع) برخی از زمینهای خود را برای پس از مرگش وقف کرد و گروهی از غلامان خود را آزاد

۱. سوره بقره، آیه ۲۷۷

۲. مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳

۳. سیره‌نامه‌ی امام علی (ع)، انتشارات دارالمصطفی، ۹۸۸۳

۴. ابن کثیر، ۳۳۶/۲، مغازی واقفی، ۸/۴

۵. صحیح بخاری، ۸/۴

۶. مالکیت خصوصی زمین، علی احمدی میانجی، ص ۶۱

۷. وفاء الوفاء، ۹۸۸۳، وسایل الشیعه، ۳۱۱/۱۳

۸. بحار، ۱۸۳/۱۰۳، قرب الاسناد، ص ۱۶۰

۹. صحیح بخاری، ۱۰۲/۲۴، مالکیت خصوصی زمین، ص ۶۱

۱۰. مقدمه مرآة العقول، ۲۷/۱، مالکیت خصوصی زمین، ص ۶۲

۱۱. وفاء الوفاء، ۹۸۸۳، وسایل الشیعه، ۲۹۲/۱۳

۱۲. بحار، ۱۸۴/۱۰۳

۱۳. وسائل الشیعه، ۳۱۲/۱۳، بحارالانوار، ۱۸۴/۱۰۳

۱۴. بحار، ۴۰/۴۱، فروع کافی، ۵۲/۷

۱۵. اسد الغابة، ۲۴/۴، بحار، ۳۳۹/۴۰، سنن بیهقی، ۱۶۰/۶

۱۶. ذخائرالعقبی ص ۱۰۳، وفاء الوفاء، ۳۹۳/۲

۱۷. مناقب ابن شهر آشوب، ۱۲۳/۲، بحار، ۳۲/۴۱

۱۸. وفاء الوفاء، ۱۲۷/۴، سنن بیهقی، ۱۶۰/۶، بحار، ۳۲۲/۴۰

۱۹. لسان العرب، ۳۷۸/۱۰، معجم البلدان، ۴۶۹/۱۰

۲۰. وفاء الوفاء، ۲۶۳/۲

ساخت و شرط کرد که در زمینهای وقفی به مدت پنج سال کار کنند. زمین و خانه خویش را در مصر با اموالی که در مدینه داشت، وقف اولاد کرد. به گونه‌ای که در پایان عمر هر چه املاک داشت وقف کرد.^{۳۱} این در حالی است که ابن ابی الحدید می‌نویسد: علی (ع) برای فرزندان خود ارثی باقی نگذاشت مگر چند نفر برده و غلام و کنیز و هفتصد درهم پول که برای خرید خانه‌ای ذخیره کرده بود.^{۳۲} آنچه در این قسمت یادآور شدیم، نمونه‌ای از مطالب فراوان و بی‌شماری است که تاریخ نگاران یاد کرده‌اند.

وقف در سیره حضرت زهرا (ع)

حضرات معصومین به اندازه توانایی مالی که داشتند و مصلحتی که تشخیص می‌دادند اموال خود را وقف می‌کردند که از آن جمله حضرت زهرا (ع) است که از پدر بزرگوار و همسر گرانقدرش پیروی کرد. ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: آیا وصیت نامه حضرت زهرا (س) درباره وقف را برایتان نخوانم؟! گفتم: چرا، آنگاه امام صادق (ع) بسته‌ای را درآورد که نوشته‌ای داخل آن قرار داشت در آن بدین گونه نوشته بود:

به نام خداوند بخشنده مهربان. این چیزی است که فاطمه دختر محمد (ص) در مورد باغهای هفتگانه (خیبر) وصیت کرده است. باغهای هفتگانه به نامهای: عواف، دلال، برقه، مبيت، حسنی، صافیه، مال ام ابراهیم (باغی که ماریه قبطیه در آن سکونت داشت) این وصیت برای علی بن ابی طالب (ع) که پس از درگذشت او به فرزندش حسن (ع) و بعد از درگذشت او به فرزندش حسین (ع) و پس از او به اولاد بزرگ وی یکی پس از دیگری به فرزندانشان می‌رسد.^{۳۳}

همان گونه که یادآور شدیم مخیربیک یهودی که از بزرگان بنی نضیر به شمار می‌آمد در روز احد، سال سوم ه.ق به شهادت رسید و باغهای هفتگانه فوق را به پیامبر (ص) واگذار کرد و آن حضرت نیز این باغها را در سال هفتم ه.ق مخصوص حضرت زهرا (ع) قرار داد.

اگر چه هنگامی که رسول خدا (ص) مهمانی داشت

یا هر که نیازمند بود از منافع آن استفاده می‌کرد. حضرت زهرا (ع) نیز برای هر یک از زنان رسول خدا (ص) دوازده اوقیه (هر اوقیه چهل درهم بود) وصیت کرد و به همین مقدار برای زنان بنی هاشم نیز وصیت کرد خلاصه این هفت باغ را وقف بنی هاشم و بنی عبدالمطلب کرد و سرپرستی آنها را به علی (ع) واگذار کرد.^{۳۴} احمد بن محمد گوید: از امام کاظم (ع) درباره ارثی که از پیامبر (ص) به زهرا (ع) رسید که مقدار هفت باغ بوده پرسش کردم، امام پاسخ داد که آنها وقف بود. اگر چه پیامبر در هنگام نیاز و پذیرایی مهمان از آن بهره می‌برد. (دلیل بر وقف بودن) پس از درگذشت رسول خدا (ص) عباس عموی آن حضرت برای گرفتن ارث ادعا کرد، علی (ع) و دیگران شهادت دادند که آنچه از رسول خدا (ص) به دست فاطمه (ع) رسیده، وقف است و آنچه باقی بوده همان باغهای هفتگانه خیبر است.^{۳۵}

این مطلب نیز در داستان گرفتن فدک از خلیفه اول و احتجاجات و گفتگوهای میان حضرت زهرا (س) و خطبه آن حضرت در مسجد رسول خدا (ص) در مدارک بی‌شماری از کتابهای شیعه و اهل سنت نقل شده که همگی گواهی می‌دهند آنچه را که پیامبر (ص) به فاطمه (س) واگذار کرده همگی وقف بوده است.^{۳۶}

حضرات معصومین به اندازه

توانایی مالی که داشتند و

مصلحتی که تشخیص می‌دادند

اموال خود را وقف می‌کردند که

از آن جمله حضرت زهرا (ع)

است



وقف در سیره دیگر امامان شیعه

دیگر امامان شیعه نیز اموال و باغهایی را در راه خدا و برای برطرف ساختن نیاز بینوایان و نیازمندان و خویشاوندان خود وقف کردند که برخی از آنها را یادآور می‌شویم.

طبق نقل مشهور باغهایی که هم اکنون در محله نخاوله مدینه (محله شیعه نشین) به نام باغ صبا و باغ مرجان وجود دارد، از موقوفات امام حسن مجتبی (ع) یا بنا بر نقلی از موقوفات امام سجاد (ع) است.^{۲۷} شیخ بهایی از جدش روایت می‌کند که: امام حسین (ع) نیز زمینها و چیزهای دیگری که ارث برده بود وقف کرد و حتی اطراف قبر مطهر خویش را از اهل نینوا و غاصریه به شصت هزار درهم خرید و وقف آنان کرد بدین شرط که زائرانش را به سوی قبرش راهنمایی کنند و آنان را به مدت سه روز به عنوان میهمان پذیرایی کنند.^{۲۸}

یکی دیگر از موقوفات امام حسین (ع) خانه‌ای است که آن حضرت وقف کرد و امام حسن (ع) فرموده: باید خانه را تخلیه کنی.^{۲۹}

امام صادق (ع) نیز موقوفاتی داشته است زیرا شیخ صدوق روایتی را نقل می‌کند که آن حضرت وصیت کرده تا مجلس عزاداری برپا کنند و اموالی را نیز بدین جهت وقف کردند^{۳۰} و هم چنین در روایت دیگری نقل شده که آن حضرت موقوفه‌هایی داشته است. گرچه جزئیات آن را یادآور نشده‌اند.^{۳۱}

از امام موسی بن جعفر (ع) نیز وقفنامه‌ای نقل شده است که در آن چنین نوشته‌اند:

این است آنچه را که موسی بن جعفر وقف کرد. همه زمین خود را که در فلان مکان قرار دارد و حدود (چهارگانه) زمین از شرق، غرب و شمال چنین است (حدود آن را بیان کرده است).

به طور کلی درختان خرما، زمین، قنات، آب، آسیاب، حریم، حقوق، حق آب زمین، پستی، بلندی، عرض، طول، میدان جلو باغ، نهرهای کوچک و بزرگ، مرغزارهای آباد (عامر) و خراب همه را وقف کرده است. متولی وقف درآمد آن را (پس از کسر مخارج مزرعه و سی عدد درخت خرما برای فقیران آبادی) میان فرزندان موسی بن جعفر تقسیم کرده، برای هر مرد دو برابر سهم زنان در نظر گیرد و اگر دختری از فرزندان موسی بن جعفر ازدواج کرد سهمی از این صدقات ندارد^{۳۲}...

از موقوفه‌های دیگر امامان شیعه تا آنجا که ما بررسی و تحقیق کردیم مطلبی را یادآور نشده‌اند. از این روی به همین اندازه در این رابطه بسنده می‌کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۸. وفاء الوفاء، ۱۳۳۹/۴، ص ۱۰۲، شماره ۱۰۰.
۲۹. وسائل، ۱/۲۲، ص ۱۷۶/۲۲، ص ۳۳۷/۲۲.
۳۰. وسائل، ۱/۲۲، ص ۱۷۶/۲۲، ص ۳۳۷/۲۲.
۳۱. ط قاهره، به نقل احقاق التعلی، ۱/۲۱۸.
۳۲. شرح نوح البلاغه، ۱/۲۶۳.
۳۳. وسائل، ۱/۲۲، ص ۱۷۶/۲۲، ص ۳۳۷/۲۲.
۳۴. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۳۵. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۳۶. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۳۷. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۳۸. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۳۹. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۴۰. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۴۱. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۴۲. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۴۳. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۴۴. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۴۵. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۴۶. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۴۷. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۴۸. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۴۹. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۵۰. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۵۱. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۵۲. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۵۳. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۵۴. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۵۵. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۵۶. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۵۷. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۵۸. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۵۹. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.
۶۰. فروع کافی، ۲/۲۹۷/۲، ص ۲۴۷/۲، بخار.